

# سواد اطلاعاتی در فیسبوک: یک مطالعه تحلیلی

نویسنده: دانا وایتک و ترسا گرتانو  
مترجم: علیرضا عبودیت<sup>۲</sup>

## چکیده

این مطالعه تحلیلی که قسمت اول از یک پژوهش دو بخشی است نگرش‌ها و الگویی‌هایی که کاربران از طریق استفاده از فیسبوک به آن عادت کرده‌اند را به تصویر می‌کشد و آن‌ها را به رفتارها و اعمال یک شخص باسواد اطلاعاتی نسبت می‌دهد و در نهایت کاربرد آنها را برای آموزش سواد اطلاعاتی در یک جامعه دانشگاهی گوشزد می‌کند. این مقاله هم‌چنین زمینه‌ای خواهد شد برای بخش دوم این پژوهش که قرار است در شماره‌های بعدی این مجله چاپ شود. برای مطالعه پیش رو، استانداردهای شایستگی سواد اطلاعاتی برای آموزش عالی که از طرف انجمن کتابخانه‌های دانشکده‌ای و پژوهشی (ای.سی.آرال) معرفی شده‌اند با رفتارهای رایج در فیسبوک تطبیق داده شده و هر استاندارد در سطح بیانگر اجرایی و برونداد برای مشابتهای احتمالی بین ابزارهای فیسبوک و رفتارها بررسی شده است. این رفتارها سپس با فرایند اجرای پژوهش در یک جامعه دانشگاهی مرتبط شده‌اند. سه عملکرد خوراک‌ها، اشتراک‌گذاری و نظردهی در فیسبوک روش‌های اصلی شناخته شدند که توسط آنها اعمال و رفتارهای مورد انتظار از باسوادان اطلاعاتی رشد پیدا می‌کند و در این شبکه اجتماعی نمود دارد. در بخش نتایج مشخص شد سواد اطلاعاتی در عصر رسانه‌های اجتماعی یک «فراسواد» را طلب می‌کند که تعریفش دارا بودن آگاهی انتقادی درباره چرایی فعالیت‌هایی است که با اطلاعات انجام می‌دهیم. این مقاله به دلیل اینکه برای اولین بار تحلیل جامعی از ویژگی‌های فیسبوک در راستای استانداردهای ای.سی.آرال انجام داده است برای مدرسان و پژوهشگران در حوزه سواد اطلاعاتی مفید و ارزشمند خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** سواد اطلاعاتی، رسانه‌های اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، وب ۲.۰، آموزش

## مقدمه

امروزه دانشجویان به گونه‌ای متفاوت از دانشجویان یک دهه پیش با اطلاعات تعامل دارند. در سال ۲۰۰۰ ای.سی.آرال<sup>۳</sup> بر اساس تعریف عملیاتی از شخص باسواد اطلاعاتی که در سال ۱۹۸۹ ارائه شد شرحی جامع‌تر از این مفهوم را ارائه کرد. «برای تبدیل شدن به یک باسواد اطلاعاتی یک شخص باید قادر باشد تا تشخیص دهد چه زمانی چه اطلاعاتی مورد نیاز است و به‌علاوه توانایی جایابی، ارزیابی و استفاده مؤثر از اطلاعات مورد نیاز را داشته باشد» (کمیته سرپرستی بخش سواد اطلاعاتی در انجمن کتابداری آمریکا<sup>۴</sup>).

۱. Witek, D. & Grettano, T. (۲۰۱۲). Information literacy on Facebook: an analysis. Reference Services Review, ۴۰(۲), ۲۴۲-۲۵۷.

۲. کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی

۳. Association of College & Research Libraries (ACRL)

۴. ALA Presidential Committee on Information Literacy

مجموعه استانداردهای شایستگی‌های سواد اطلاعاتی برای آموزش عالی که از طرف ای.سی.آرال در سال ۲۰۰۰ میلادی تدوین شده و از آن تاریخ به بعد استانداردهای ای.سی.آرال نامیده می‌شود، سواد اطلاعاتی را این‌گونه شرح می‌دهند: «سواد اطلاعاتی زیربنای یادگیری مادام‌العمر را تشکیل می‌دهد. این مورد برای تمام رشته‌های تحصیلی، تمام محیط‌های یادگیری و تمام سطوح آموزش مشترک است و به یادگیرندگان کمک می‌کند تا بر محتوای آموزشی مسلط شوند و تحقیقات‌شان را گسترش دهند. بنابراین آنها بیشتر خودکفا می‌شوند و کنترل بیشتری بر جریان یادگیری خودشان پیدا می‌کنند» (ای.سی.آرال، ۲۰۰۰). از همین رو سواد اطلاعاتی در انحصار یک زمان خاص قرار نگرفته و چگونگی رسیدن به نیازها و یادگیرندگان بر اساس محیط اطلاعاتی پیرامونی آنها تغییر می‌کند.

دانشجویان با فیسبوک زندگی می‌کنند (اسمیت و کاروسو، ۲۰۱۰). این شبکه اجتماعی محبوب در سال ۲۰۰۴ پایه‌گذاری شد و اکنون در حال رسیدن به مرز یک میلیارد کاربر در سراسر دنیا است (لیونز، ۲۰۱۲). فیسبوک و سایر رسانه‌های اجتماعی تأثیرات چشمگیری بر چگونگی رفتارها و اعمال باسوادان اطلاعاتی دارند. برای مدرسان و آموزش‌دهندگان نیز لازم است که بدانند چگونه دانشجویان به طور روزانه در زندگی‌شان با اطلاعات سر و کار دارند تا هم متوجه باشند که چه چیزی را باید آموزش دهند و هم اینکه چگونه آن چیز را آموزش دهند. اگرچه بسیاری از مدرسان از عادات دانشگاهی دانشجویان که در نتیجه استفاده از رسانه‌های اجتماعی شکل گرفته شکایت دارند اما در دوره مشترکی بین نویسندگان این مقاله که فن بیان و رسانه‌های اجتماعی نام داشت و در دانشگاه اسکرانتن<sup>۵</sup> برگزار شد، آنها به این نتیجه رسیدند که فیسبوک به عنوان یک ابزار، فرصت‌های بسیاری را برای آموزش و تمرین سواد اطلاعاتی عرضه می‌کند البته اگر مدرسان بتوانند این ابزار را در شکل جدیدی برای دانشجویان و خودشان صورت‌بندی کنند.

هنگامی که گرتانو تدریس دوره فن بیان را در دانشگاه اسکرانتن در پاییز ۲۰۰۹ آغاز کرد، متوجه برنامه سواد اطلاعاتی برای مدرسان شد که به وسیله کتابخانه یادبود وینبرگ<sup>۶</sup> اجرا می‌شد. این برنامه اعضای هیئت علمی را تشویق می‌کرد تا زمانی که قصد دارند دوره‌های کلاسی جدید را ایجاد کنند استانداردهای ای.سی.آرال را با اهداف کلاس‌هایشان ترکیب کنند و دوره‌های فعلی را مورد بازبینی قرار دهند.<sup>۷</sup> گرتانو پیشنهاد دوره فن بیان و رسانه‌های اجتماعی را مطرح کرد و با کتابدار مؤسسه ارتباط برقرار کرد تا اجزای برنامه سواد اطلاعاتی را برای دوره کلاسی ایجاد کند. در واقع این دوره آموزشی شبکه اجتماعی فیسبوک را با یک رویکرد کلامی مورد بررسی قرار می‌دهد. این یک اشتراک منطقی با سواد اطلاعاتی است و به دلیل اینکه به دانشجویان آموزش می‌دهند تا پذیرای اطلاعات باشند، نویسندگان این مقاله این دوره آموزشی جدید را با هدف شناسایی روش‌هایی که سواد اطلاعاتی می‌تواند از طریق آنها آموخته و تمرین شود آغاز کردند. روش آنها برای انجام این کار هم‌راستا کردن استانداردهای ای.سی.آرال با رفتارهای رایج در فیسبوک و بر همین اساس مشاهده چگونگی ایفای نقش این روابط در یک جامعه دانشگاهی بود. نویسندگان سپس منابع و تکالیف این دوره را در حول محور موارد مشابه بین فیسبوک به عنوان

۵. Scranton

۶. Weinberg Memorial Library

۷. برای اطلاعات بیشتر درباره هزینه‌های برنامه سواد اطلاعاتی در کتابخانه یادبود وینبرگ در دانشگاه اسکرانتن به آدرس اینترنتی <http://matrix.scranton.edu/academics/wml/infolit/stipends/index.shtml> مراجعه نمایید.

یک ابزار و فرایندهای درگیر در جستجو و کاربرد مؤثر اطلاعات طراحی کردند. بررسی‌های که در ادبیات این دو حوزه به چشم می‌خورد مربوط به روابط بین رسانه‌های اجتماعی، مهارت‌های پژوهش و آموزش می‌شود (ویلیامسن<sup>۸</sup>، ۲۰۰۷؛ هیکس و گرابر<sup>۹</sup>، ۲۰۱۰؛ پاردی<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰). با این حال نویسندگان این مقاله تاکنون در یافتن پژوهش‌هایی که فیسبوک را به طور خاص در ارتباط با سواد اطلاعاتی و با استفاده از استانداردهای ای.سی.آرال مورد پژوهش قرار داده‌اند ناکام مانده‌اند. یک جستجوی کلیدواژه‌ای برای «فیسبوک» و «سواد اطلاعاتی» در پایگاه اطلاعاتی چکیده‌های کتابداری و اطلاع رسانی و فناوری<sup>۱۱</sup> به ۱۷ نتیجه منجر شد که تنها سه مورد از آنها به عنوان یک ابزار به فیسبوک از دریچه مفهوم سواد اطلاعاتی نگریسته‌اند. از این بین هم تنها یک مورد یافت شده است که فراتر از یک تحلیل یک یا دو جمله‌ای به فیسبوک به عنوان یک ابزار سواد اطلاعاتی توجه کرده است البته در این مقاله شبکه اجتماعی فیسبوک تنها یکی از هفت ابزاری است که مورد بررسی قرار گرفته است. مقالاتی که به وسیله پمبرتن (۲۰۱۱) و لو<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۰) نوشته شده است بهترین تجارب درباره چگونگی استفاده از فیسبوک و سایر رسانه‌های اجتماعی به عنوان ابزارهای آموزشی در دوره‌های سواد اطلاعاتی را به اشتراک گذاشته‌اند. البته در مطالعه‌ای که لو انجام داده تنها ۳۸ درصد از ۵۰ کتابدار مورد مطالعه در این موضوع مشخص از فناوری‌های «وب ۲.۰ برای نمایش بهتر مفاهیم اطلاعاتی» سود جستند (لو، ۲۰۱۰). اگرچه نمونه‌هایی از تعلیم‌دهندگان سواد اطلاعاتی که فیسبوک و مفاهیم و مهارت‌های سواد اطلاعاتی را با یکدیگر پیوند داده‌اند به طور گسترده‌ای در این حوزه وجود دارند، ولی نویسندگان نتوانستند تحلیلی گسترده که آگاهانه رسانه‌های اجتماعی به مفهوم عام و شبکه اجتماعی فیسبوک به معنی خاص را از طریق دریچه سواد اطلاعاتی و استانداردهای ای.سی.آرال مورد مطالعه قرار داده باشند پیدا کنند. با تشخیص این خلأ پژوهشی، نویسندگان تصمیم گرفتند این استانداردها را با عملکردها و رفتارهای مشاهده شده در فیسبوک تطبیق دهند. آن‌ها به ارزش این نکته مهم واقف بودند که گسترش پیوندها بین سواد اطلاعاتی و این شبکه اجتماعی قبل از هرگونه آموزشی درباره محتوای دوره ضروری است. با استفاده از تحلیل متنی، هر استاندارد، بیانگر اجرایی و برون‌داد برای هم‌راستایی‌های احتمالی با ابزارها و رفتارهای فیسبوک مورد بررسی قرار گرفتند. در خلال اجرای این بخش از پژوهش که بررسی ارتباطات بین شبکه اجتماعی و سواد اطلاعاتی بود، ابزارها و ویژگی‌های خاص سایت فیسبوک خودشان را به عنوان حوزه‌های بالقوه برای رشد نگرش‌ها و مهارت‌های لازم برای باسوادان اطلاعاتی نشان دادند. با نگاهی مجدد به تعریف انجمن کتابداری آمریکا از سواد اطلاعاتی در سال ۱۹۸۹، واژه‌های مکان‌یابی، ارزیابی و استفاده، مهم تشخیص داده شدند و برای آزمایش کارکردها و ابزارهای متنوع فیسبوک مورد استفاده قرار گرفتند. بر همین اساس سؤالات اساسی برای این تحلیل عبارت بودند از: کدام ویژگی‌های فیسبوک کاربران را در مکان‌یابی یا یافتن اطلاعات توانمند می‌کنند؟ کدام ابزارها کاربران را در ارزیابی اطلاعات یاری می‌کنند؟ چگونه فیسبوک به کاربران کمک می‌کند تا از این اطلاعات در جهت نیل به

۸. Williamson

۹. Hicks & Graber

۱۰. Purdy

۱۱. LISTA

۱۲. Pemberton & Luo

هدف خاصی استفاده کنند؟

قبل از پاسخ‌گویی به سؤال‌اتفوق‌الذکر لازم است به نکته‌ای اشاره شود. هر کاربر معمولی پایگاه‌های پژوهشی در کتابخانه‌ها آگاه است که رابط‌های کاربری تغییر شکل می‌دهند. فیسبوک نیز دائماً روزآمد می‌شود و ابزارها و کارایی خویش را «در جهت پایبندی به اهدافش برای کمک به مردم برای ارتباط و اشتراک با دیگران تغییر می‌دهد» (فیسبوک، ۲۰۱۲الف).

ابزارها و محصولات فیسبوکی همیشه پیشرفت کرده‌اند و گاهی اوقات کارکردهای کلیدی در این شبکه اجتماعی تا حدی روزآمد شده‌اند که روش‌های دستیابی به اهداف کاربران را تغییر داده‌اند. از همین رو تمرکز اصلی در این اثر بر روی مفاهیم و الگوهای است که در لایه مرکزی فیسبوک قرار گرفته‌اند و دلیلش این است که این‌ها مادامی که مأموریت فیسبوک تغییر نکند، تغییر نخواهند کرد. در اثر حاضر که بر پایه مشاهده و تحلیل انجام شده است، نگرش‌ها و الگوهای است که در کاربران از طریق کارکرد این شبکه اجتماعی شکل گرفته‌اند مشخص خواهد شد. فرضیه پژوهشگران این بوده است که این نگرش‌ها و الگوها نه تنها به فعالیت‌های باسوادان اطلاعاتی مربوط می‌شوند بلکه می‌توانند به وسیله تعلیم‌دهندگان به عنوان روشی برای تدریس سواد اطلاعاتی در بافتی دانشگاهی انتخاب شوند. ممکن است خیلی جدی به نظر نرسد اما شبکه اجتماعی فیسبوک حجم زیادی از وظایف تعلیم‌دهندگان را تسهیل می‌کند البته اگر آن‌ها بتوانند آن را با اهداف خودشان همگام نمایند.

چارچوب نظری ارائه شده در این تحلیل زیربنایی برای بخش دوم این مطالعه است که در آینده چاپ خواهد شد. در بخش دوم، نویسندگان گزارش چگونگی برگزاری دوره فن بیان و رسانه‌های اجتماعی را که در پرتو سواد اطلاعاتی است و همچنین شواهد کلاسی را که بیانگر ارتباط بین دانشجویان و سواد اطلاعاتی از طریق استفاده از فیسبوک است، ارائه می‌نمایند. با توجه به این نکته سه عملکرد فیسبوک یعنی خوراک‌ها<sup>۱۳</sup>، اشتراک‌گذاری<sup>۱۴</sup> و نظردهی<sup>۱۵</sup> در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفتند. این سه عملکرد که پس از بررسی نظام‌مند این شبکه اجتماعی در پرتو سؤالات بالا بررسی شدند، در واقع عملکردهای اساسی و ابتدایی هستند که به وسیله آنها رفتار باسوادان اطلاعاتی شکل می‌گیرد و در فیسبوک نمود پیدا می‌کند.

### خوراک‌ها: دسترسی و کنترل

در رسانه وب، خوراک به وسیله نوع محتوایی که به ترتیب معکوس تاریخی نشان می‌دهد و با ویژگی به‌روزرسانی آنی شناخته می‌شود، نمایش داده می‌شود. بنابراین در بالای صفحه خوراکی از جدیدترین اتفاقاتی که افتاده و به اشتراک گذاشته شده نشان داده می‌شود. علاوه بر فیسبوک نمونه‌های دیگری که از خوراک بهره می‌برند عبارت‌اند از: بلاگ‌ها، تویتر و آر.اس.اس.

در بافت شبکه اجتماعی فیسبوک دو گونه خوراک اصلی وجود دارد که اصلاً جز موارد اساسی شکل‌گیری این شبکه اجتماعی هستند. یکی خوراک خبری و دیگری صفحه‌های سرگذشت<sup>۱۶</sup> هر کاربر هستند

۱۳. Feeds

۱۴. Share

۱۵. Comment

۱۶. در این ترجمه عبارت صفحه سرگذشت معادل فارسی Timeline در نظر گرفته شده است - مترجم

که سابقاً<sup>۱۷</sup> دیوار نامیده می‌شدند<sup>۱۸</sup>. خوراک خبری اولین صفحه‌ای است که کاربر پس از ورود به شبکه اجتماعی مشاهده می‌کند و حجم گسترده اطلاعات در این صفحه از ارتباطاتی پدید می‌آید که کاربران خودشان انتخاب کرده و مشترک دریافت آن شده‌اند. این اطلاعات معمولاً در قالب‌هایی مثل به‌روزرسانی احوال<sup>۱۹</sup>، تصاویر، فیلم‌ها و پیوندها مشاهده می‌شوند. این‌جا مکانی است که کاربر خبرهای مربوط به دیگران را مشاهده می‌کند و به زندگی آن‌ها علاقه‌مند می‌شود. دلیل نام‌گذاری این بخش به خوراک خبری نیز در همین است. اما، در سوی دیگر، صفحه سرگذشت هر کاربر است که از اطلاعاتی ایجاد می‌شود که همان کاربر ایجاد کرده است مثل به‌روزرسانی‌های احوال، تصاویر و فعالیت‌ها در شبکه اجتماعی فیسبوک. گاهی اوقات شخص دیگری در شبکه دوستان یک کاربر مطالبی را بر روی صفحه سرگذشت آن کاربر ارسال می‌کند که مربوط به همان کاربر خاص می‌شود یا اینکه همین کاربر در پست دیگری توسط شخص دیگری شناخته می‌شود که این پست می‌تواند به صورت متنی یا تصویری و ویدئویی یا حتی تنها یک پیوند باشد. به هر روی این مهم است که تمام محتوای جمع‌آوری شده در صفحه سرگذشت کاربر به همان کاربر مربوط باشد. بر همین اساس به نحوی می‌توان گفت که هویت یک شخص به عنوان «مؤلف» در صفحه سرگذشت خودش به طور مستقیم یا غیرمستقیم مشخص می‌شود. صفحه سرگذشت یک کاربر برای تمام افرادی که در شبکه دوستان آن کاربر یا مورد تأیید او هستند قابل مشاهده است در حالیکه خوراک خبری فقط برای خود آن کاربر قابل مشاهده است. پس این دو خوراک مشابه نیستند بلکه یکی از آن‌ها شخصی و دیگری (یعنی همان صفحه سرگذشت) عمومی است.

هر کاربر نه تنها بر روی اطلاعات صفحه سرگذشتش کنترل دارد بلکه او می‌تواند اطلاعات خوراک خبری را نیز کنترل کند البته با این تفاوت که به‌جای کنترل محتوا، چارچوب و منابع اطلاعات را کنترل می‌کند. برای روشن شدن بیشتر به این استعاره توجه کنید؛ نقش کاربر فیسبوک در ارتباط با خوراک خبری شبیه به نقش هدایت‌کننده یک ارکستر سمفونی بزرگ از اطلاعات است و نقش همین کاربر هنگامی که اطلاعاتی را بر روی صفحه سرگذشت خویش ایجاد می‌کند مثل نقش یکی از نوازندگان در همان ارکستر سمفونی است که تنها قطعه‌ایاز هزاران را اجرا می‌کند.

استاندارد شماره دو ای.سی.آر.ال در بطن خود توجه زیادی به کاربرد بالقوه خوراک‌های فیسبوک برای رفتار باسوادان اطلاعاتی دارد. «دانشجوی باسواد اطلاعاتی به اطلاعات مورد نیاز به طور مؤثر و کارآمد دسترسی پیدا می‌کند» (ای.سی.آر.ال، ۲۰۰۰). در همین راستا هم خوراک خبری و هم صفحه سرگذشت در دسترسی به اطلاعات سودمند هستند و آن را تسهیل می‌نمایند. در اولین بیانگر اجرایی از استاندارد شماره دو، «نظام بازیابی اطلاعات» به عنوان یکی از درگاه‌های اتصال به اطلاعات مورد نیاز نمود پیدا کرده است. به طور سنتی این عبارت در بافت کتابخانه‌ها به فهرست‌ها و پایگاه‌های کتابخانه‌ای اشاره دارد. با این حال زمانی که خوراک خبری فیسبوک به عنوان نظام بازیابی اطلاعات ارزیابی می‌شود، طراحی و

۱۷. Wall

۱۸. در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱ فیسبوک نسخه جدیدی از پروفایل را که صفحه سرگذشت نامیده می‌شود به همه کاربران معرفی کرد و در تاریخ ۲۴ ژانویه ۲۰۱۲ شبکه اجتماعی فیسبوک اعلام کرد که در ظرف چند هفته استفاده از این ویژگی برای همه کاربران الزامی خواهد شد (فیسبوک، ۲۰۱۲). در زمان نگارش این مقاله تعدادی از کاربران به این ویژگی جدید پاسخ مثبت داده‌اند در حالیکه دیگران هم‌چنان از نسخه قدیمی پروفایل که شامل دیوار نیز می‌شود استفاده می‌کرده‌اند.

۱۹. در این ترجمه عبارت به‌روزرسانی احوال معادل فارسی Status updates در نظر گرفته شده است - مترجم.

کارایی آن، روش‌هایی را در اختیار کاربران می‌گذارد که آن‌ها می‌توانند به طور مؤثر و کارآمد اطلاعاتی را که نیاز دارند پیدا کنند.

قدرت خوراک خبری به عنوان یک نظام بازیابی اطلاعات در متغیرهای تحت کنترل کاربران قابل مشاهده است. اینها انتخاب‌هایی هستند که کاربر نسبت به اینکه چه اطلاعاتی در خوراک خبری‌اش ظاهر شود انجام می‌دهد. اولین چیزی که کاربر در حساب فیسبوک خویش آن را کنترل می‌کند ارتباطات درون شبکه کاربری است که به وسیله اضافه کردن دوستان یا از طریق لایک کردن<sup>۲۰</sup> صفحات انجام می‌پذیرد. این مورد بر اطلاعاتی که در خوراک خبری کاربر منتشر می‌شود تأثیر می‌گذارد چون خوراک خبری تنها شامل محتوایی می‌شود که از منابع مشخص در شبکه ارتباطات این کاربر جمع آوری شده‌اند.

کاربر هم‌چنین نحوه انتشار و نمایش اطلاعات بر روی خوراک خبری را کنترل می‌کند. امکان فیلتر بر اساس شکل در سمت چپ صفحه خوراک خبری قرار گرفته است. در زمان نوشتن این مقاله، یک کاربر فیسبوک قادر است تا محتوای خوراک خبری را با فیلترهایی از قبیل عکس‌ها، پیوندها و سؤال‌ناقص‌تر کند و البته اگر کاربر فهرستی از دوستان ساخته باشد یک انتخاب دیگر به او داده می‌شود که فیلتر کردن محتوا بر اساس فهرست دوستان است. بنابراین مطالب بر اساس نویسنده‌شان فیلتر می‌شوند نه بر اساس شکل. اگر نمای پیش‌فرض خوراک خبری تمام انواع اطلاعات علاوه بر به‌روزرسانی‌های متنی را نمایش دهد، کلیک بر روی یکی از این فیلترها، اطلاعات موجود در خوراک خبری را صرفاً به پست‌هایی محدود می‌کند که در آن شکل انتخاب شده جای بگیرند.

خوراک خبری هم‌چنین راهی برای مرتب کردن محتوا بر اساس جریان اطلاعات فراهم می‌کند. اگرچه اطلاعات در خوراک خبری همیشه به ترتیب معکوس تاریخی عرضه می‌شود، اما حق انتخاب به کاربر داده شده تا ابتدا جدیدترین اطلاعات یا پر بازدیدترین‌ها را مشاهده کند. تفاوت بین این دو روش مرتب سازی اطلاعات در خوراک خبری توسط فیسبوک این‌گونه توضیح داده می‌شود: از منوی مرتب سازی در سمت راست بالای بخش خوراک خبری برای انتخاب اینکه کدام اخبار را ابتدا و در بالا مشاهده کنید استفاده کنید. اگر بر روی گزینه جدیدترین‌ها کلیک کنید اطلاعات را بر اساس ترتیبی مشاهده می‌کنید که بر روی فیسبوک منتشر شده‌اند و اگر گزینه پر بازدیدترین‌ها را انتخاب کنید ابتدا داغ‌ترین اطلاعات را در خوراک خبری مشاهده می‌کنید (فیسبوک، ۲۰۱۲ ب). این تفاوت مستقیماً به جریان اطلاعات مربوط می‌شود زیرا کاربر است که انتخاب می‌کند که می‌خواهد اطلاعات را در «زمان واقعی انتشار» مشاهده کند اگرچه تنظیمات پیش‌فرض بعد از ورود به شبکه اجتماعی فیسبوک بر اساس پر بازدیدترین‌ها است. برای مثال گاهی اوقات یک رویداد جاری در بستر شبکه اجتماعی به شدت گسترده می‌شود، درباره آن بحث می‌شود، به اشتراک گذاشته می‌شود و تحلیل می‌شود. مثلاً وقتی اسامه بن لادن<sup>۲۱</sup> در ماه می ۲۰۱۱ کشته شد، برای خیلی از مردم این خبر از طریق شبکه‌های اجتماعی منتشر شد. در آن هنگام اگر خوراک خبری یک کاربر بر روی گزینه پر بازدیدترین تنظیم شده بود امکان داشت که پست مرتبطی از طرف شخصی در شبکه ارتباطات آن کاربر پنهان باقی بماند. تفاوت بین تنظیمات فیسبوک برای مرتب سازی و فیلتر محتوای خوراک خبری و تنظیمات خود کاربران در همین جا است. به هر حال کاربران با سواد اطلاعاتی شبکه اجتماعی فیسبوک انتخاب می‌کنند تا کنترل بیشتری بر تجربه جستجوی

۲۰. Like

۲۱. Osama bin Laden

اطلاعات داشته باشند و این کار را خودشان انجام دهند. علاوه بر کنترل ترتیب دریافت اطلاعات توسط کاربران در خوراکی‌های خبری، کاربران می‌توانند نوع و منابعی که اطلاعات از آنها دریافت می‌شوند را نیز کنترل کنند. این توانایی پیش‌تر از طریق فیلتر کردن اطلاعات با استفاده از فهرست‌های دوستان توضیح داده شد اما کاربران می‌توانند حتی به طور خیلی خاص‌تر درباره محتوایی که مشاهده می‌کنند تصمیم بگیرند. برای مثال آنها می‌توانند محتوایی خاص از دوستان در شبکه خودشان، از صفحاتی که به آنها وصل شده‌اند یا از برنامه‌های خاصی که دوستانشان در حال استفاده هستند را پنهان کنند. مثلاً اگر یکی از دوستان کاربر همیشه موضوعاتی نامرتب به علائق آن کاربر را به شبکه اجتماعی ارسال می‌کند و این مطالب نامرتب فضای خوراکی خبری آن کاربر را احاطه کرده، راه حل این موضوع لغو اشتراک دریافت تمام یا برخی از مطالب ارسالی این فرد است. همین مورد در رابطه با صفحه‌ای که یک کاربر با آن ارتباط برقرار کرده اما ترجیح می‌دهد تا محتوای تبلیغی ارسال شده از این صفحه را در خوراکی خبری خویش دریافت نکند اتفاق می‌افتد. کاربران هم چنین این حق را دارند تا خوراکی خبری خود را از پست‌هایی که حتی توسط افراد واقعی نوشته نشده بلکه به صورت خودکار توسط برنامه‌های اشتراک‌گذاری فعالیت‌های دوستان تولید شده خالی کنند. باتوجه به این گفته که خوراکی خبری نقش نظام بازیابی اطلاعات را در فیسبوک بازی می‌کند، بنابراین نتیجه نهایی انتخاب‌هایی که توسط کاربران درباره محتوای خوراکی خبری‌شان انجام می‌گیرد نظامی است که کاملاً بر اساس نیازهای اطلاعاتی کاربر طراحی شده و به گونه‌ای بهینه‌سازی شده که تنها اطلاعات قابل اعتماد یا از منابع ارجح را نمایش دهد.

فناوری خوراکی در فیسبوک، کاربران را با چیزی بیشتر از بازیابی اطلاعات نیز یاری می‌دهد. منظور از این عبارت این است که کاربر با بهره‌گیری از صفحه سرگذشت هم که خودش به نحوی یک نوع خوراکی محسوب می‌شود این امکان را پیدا می‌کند تا محتوا را مدیریت کند. صفحه سرگذشت همان فضایی است که در آن کاربر به کنترل و مدیریت محتوای ارسال شده می‌پردازد که در نتیجه این فرایند، این کاربر به یک منبع اطلاعاتی در شبکه ارتباطی خویش برای سایرین تبدیل می‌شود. زمانی که یک کاربر به‌روزرسانی احوال، یک پیوند یا یک تصویر را به صفحه سرگذشت خویش ارسال می‌کند این قطعه اطلاعاتی، خوراکی‌های خبری سایرین که توسط کاربر مجاز شناخته می‌شوند و البته آنها هم متقابلاً مشترک دریافت اطلاعات از آن کاربر شده‌اند را تغذیه می‌کند. بنابراین به‌روزرسانی‌های احوال، تصاویر ارسالی و حتی پیوندهایی با قابلیت اضافه شدن نظرات شخصی کاربر به محتوای آن پیوند همگی گونه‌های اطلاعاتی هستند که توسط آن کاربر ایجاد شده یا باز تولید می‌شود. صفحه سرگذشت هم‌چنین شامل رفتارهای قبلی کاربر در هر بخش از سایت فیسبوک است که شبیه به گزارش<sup>۲۲</sup> آن کاربر که متشکل از فعالیت‌های اخیر وی است عمل می‌کند. تنظیمات امنیتی برای اشتراک‌گذاری اطلاعات نوعی قدرت به کاربر می‌دهد. در واقع کاربر می‌تواند تصمیم بگیرد که چه کسانی مطالب نوشته شده توسط وی را ببینند و در نهایت می‌توان گفت صفحه سرگذشت ارتباطات و مطالب یک کاربر را در یک فضای منحصر به فرد جمع‌آوری می‌کند تا اگر نیاز داشته باشد در آینده به آن مراجعه کند. برای مثال ممکن است کاربری اخیراً پیوندی به یک فایل ویدئویی را در صفحه سرگذشت خویش به اشتراک گذاشته باشد و قصد داشته باشد تا در چند روز آینده دوباره آن را تماشا کند. برای این منظور پست‌های اخیر آن کاربر

در صفحه سرگذشت احتمالاً اولین مواردی هستند که برای پیدا کردن آن فایل ویدئویی مورد جستجو قرار می‌گیرند. نتیجه این کارکردهای بالقوه صفحه سرگذشت انباری از اطلاعات به اشتراک گذاشته شده است که مجدداً بر اساس نیازهای اطلاعاتی کاربران شکل گرفته و نسبت به نمایش این محتوا صرفاً برای کسانی که کاربر علاقه‌مند به اشتراک‌گذاری با آنها است بهینه‌سازی شده است. پنجمین بیانگر اجرایی در استاندارد دوم بیان می‌کند: "دانشجویان باسواد اطلاعاتی، اطلاعات و منابع آن را دریافت و به نگهداری و مدیریت آن می‌پردازند" (۲۰۰۰). هنگامی که به این رفتار اطلاعاتی در پرتو ظرفیت‌ها و کاربردهای صفحه سرگذشت فیسبوک نگریسته شود، کاملاً مشخص می‌شود که ویژگی صفحه سرگذشت تجربه مشترکی است که هم در فیسبوک و هم در بستر پژوهش‌های دانشگاهی در تقویت این رفتار سواد اطلاعاتی مؤثر است.

رفتارها و مهارت‌هایی که کاربران از طریق مدیریت خوراک خبری و صفحه سرگذشتشان کسب می‌کنند قابل انتقال به محیط‌های دانشگاهی سنتی و پژوهشی نیز هستند. بسیاری از ابزارهای سنتی پژوهش با خوراک خبری و صفحه سرگذشت بر حسب کارکردهایی که این ابزارها در اختیار استفاده‌کنندگان قرار می‌دهند یکسان هستند. برای مثال یک پایگاه اطلاعاتی پژوهشی پیوسته چنین ابزاری است و صفحه نتایج پس از جستجو برای یک مقاله نیز به طور خاص این چنین است. در واقع صفحه نتایج جستجو برای پژوهشگر عملکردی شبیه به خوراک خبری فیسبوک برای کاربر را دارد. متغیرهای تحت کنترل استفاده‌کننده در هر دو جا نیز یکسان هستند. مثلاً سؤالی که در خوراک خبری، کاربر از خود می‌پرسد این است که «چه کسی در شبکه من است؟» و سؤالی مشابه با این را پژوهشگر در هنگام جستجوی پایگاه اطلاعاتی مطرح می‌کند که «چه مجلاتی و رشته‌هایی در این پایگاه اطلاعاتی پوشش داده می‌شود؟». پاسخ به این سؤال به پژوهشگر کمک می‌کند تا پایگاه اطلاعاتی مورد نیازش را برای جستجو تعیین کند و انتخاب یک پایگاه اطلاعاتی اولین تصمیمی است که این پژوهشگر در هنگام شروع جستجو برای اطلاعات در حوزه خاصی اخذ می‌کند. مشابه با همین فرایند کاربر فیسبوک نیز تصمیم می‌گیرد که آیا دوست یا صفحه‌ای جدید را به شبکه ارتباطی خود اضافه کند و این تصمیم بر محتوایی که او در صفحه خوراک خبری خویش مشاهده خواهد کرد تأثیر می‌گذارد. در همین راستا طراحی روش جدیدی برای تقویت مهارت انتخاب پایگاه اطلاعاتی می‌تواند در قالب سؤالات روبه‌رو باشد: «چه نوعی از مجلات را در شبکه جستجوی خود احتیاج داریم؟» و «کدام پایگاه اطلاعاتی احتمالاً شامل این مجلات در شبکه خود است؟» و اینکه «کدام مجلات در شبکه ما خواهند بود اگر پایگاه اطلاعاتی الف را بر پایگاه اطلاعاتی ب ترجیح دهیم؟»

اگر توانایی اخص کردن محتوا بر اساس قالب، شکل یا نوع را در نظر بگیریم شباهت دیگری نیز بین این دو ابزار یعنی خوراک خبری و صفحه نمایش جستجو در پایگاه اطلاعاتی به چشم می‌خورد. فیلترهای معمول محتوا که در اکثر پایگاه‌های اطلاعاتی به چشم می‌خورد عبارت‌اند از: مجلات، مجلات علمی، روزنامه‌ها، نقدهای کتاب، مقالات پژوهشی و ... این فیلترهای نوعی و قالبی بر اساس رشته علمی که در آن پایگاه پوشش داده شده خاص‌تر می‌شوند. چنین فیلترهایی در خوراک خبری فیسبوک نیز تعبیه شده و اکثراً در سمت چپ یا راست صفحه نمایش قابل دسترسی است.

جریان اطلاعات مؤلفه دیگری است که کارکرد مشابه دیگری بین این دو ابزار است و این شباهت در فیسبوک اکنون حتی باثبات‌تر از گذشته شده است. همان‌طور که پیش‌تر نیز توضیح داده شد، کاربر



فیسبوک می‌تواند با استفاده از منوی مرتب‌ساز بر اساس رواج در بالای صفحه خوراک خبری و انتخاب یکی از دو گزینه جدیدترین اخبار یا پر بازدیدترین اخبار آنها را مرتب نماید. فیسبوک در آخرین طراحی این صفحه کلمه «مرتب‌سازی»<sup>۲۳</sup> را به منوی آبخاری اضافه کرده که آن را شبیه به بسیاری از صفحه‌های نتایج جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی کرده است که از این ویژگی استفاده می‌کنند. برای مثال در پایگاه‌های ابسکو<sup>۲۴</sup> همزمان با نگارش این مقاله تنظیم پیش‌فرض «مرتب‌سازی بر اساس ربط» است اما منوی آبخاری دسترسی به گزینه‌های مرتب‌سازی بر اساس «سیر نزولی» و «سیر صعودی» را نیز فراهم می‌کند. در پایگاه‌های پروکوست<sup>۲۵</sup> نیز این امکان تحت عنوان «مرتب‌سازی نتایج» نام گرفته است و البته بر اساس تاریخ نشر یعنی «قدیمی‌ترین» و «جدیدترین» نیز می‌توان نتایج جستجو را مرتب کرد. به طرز مشابهی فیسبوک نیز وضعیت مرتب‌سازی اطلاعات در خوراک خبری را بر روی گزینه‌های پر بازدیدترین‌ها تنظیم می‌کند همان طور که پایگاه‌های اطلاعاتی مذکور آن را بر اساس ربط تنظیم کرده‌اند. در واقع طراحان و برنامه‌نویسان با این فرضیه این ابزار را گسترش داده‌اند که جویندگان اطلاعات به جای اینکه خودشان در باب سودمندی اطلاعات یافته شده تصمیم بگیرند این مسئولیت را برعهده‌الگوریتم‌های از پیش طراحی شده بگذارند. دقت این فرضیه مورد بحث مطالعه حاضر نیست. آن چیزی که در اینجا مهم است این حقیقت ساده اما بنیادین است که خوراک خبری و صفحه نتایج جستجوی پایگاه‌های اطلاعاتی هر دو با استفاده از کلمه «مرتب‌سازی» دقیقاً نشانی‌دهند که یک کاربر یا پژوهشگر تا کجا می‌تواند اطلاعات را بر اساس جریان آن مرتب نماید.

عمل اخذ کردن نتایج نسبت به منابع قابل اعتماد و یا مرجع، چه در خوراک خبری باشد و چه در صفحه نتایج پایگاه‌های اطلاعاتی نشان دهنده یک شباهت مفید اما ناقص است. ویژگی لغو اشتراک در فیسبوک می‌تواند شبیه به ویژگی فیلتر کردن مجلات به دو گروه پژوهشی و داوری شده باشد. این فیلتر در اکثر پایگاه‌های اطلاعاتی نیز قابل مشاهده است. بر اساس این معیار اگر مقاله‌ای در مجله‌ای بر اساس داوری چاپ شود پس این مجله داوری شده است. اما فیسبوک در این مقایسه مقام برتر را کسب می‌کند به دلیل اینکه برحسب پویایی و سفارشی‌سازی این امکان را فراهم می‌کند تا خوراک خبری دائماً برای حذف یا در برگرفتن انواع مختلف اخبار بر پایه نیاز به عالی‌ترین صورت تنظیم شود. این مورد در تنظیمات جستجو و فیلترهای پایگاه‌های اطلاعاتی به چشم نمی‌خورد مگر اینکه پژوهشگر خودش یک حساب کاربری را در پایگاه اطلاعاتی ساخته باشد و این تنظیمات را انجام دهد که این امر احتمالاً خیلی به‌ندرت توسط یک دانشجوی کارشناسی انجام می‌گیرد. این مطلب نشان دهنده اندیشه اخذ کردن به منابع مرجع است. این عمل شبیه به فرایند حذف و حفظ مطالب خبری در فیسبوک توسط دانشجویان برای نمایش اطلاعاتی است که شناخته شده و به آن اعتماد دارند. نکته کلیدی که هر ۲ این اعمال در آن مشترک هستند این حقیقت است که دانشجو به طور آگاهانه کنترل اطلاعاتی را که بر صفحه نمایش داده می‌شود به دست بگیرد نه اینکه تنها و به‌سادگی هر آنچه می‌بیند بپذیرد و همین آگاهی یک شخص از فرایند پژوهش کلید تفکر انتقادی است و از همین رو سواد اطلاعاتی یک اثر ماندگار بر روی رفتار اطلاع‌یابی دانشجو چه در محیط علمی و چه در سایر محیط‌ها دارد.

۲۳. Sort

۲۴. Ebsco

۲۵. Proquest

یکی دیگر از ابزارهای معمول پژوهشی که کارکرد مشابهی با فناوری خوراک خبری در فیسبوک و صفحه سرگذشت دارد نرم‌افزارهای مدیریت کتابشناختی هستند (مثل رفورکز<sup>۲۶</sup> و مندلی<sup>۲۷</sup>). یکی از اهداف اصلی چنین ابزارهایی جمع‌آوری فهرستی از منابعی است که پژوهشگر تمایل دارد تا در آینده به آنها دسترسی داشته باشد و از آنها استفاده کند. نرم‌افزار مدیریت کتابشناختی اطلاعات استنادی این منابع را در خود جای می‌دهد و در گاهی موارد حتی به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا فایل‌های خودشان را در آن بارگذاری کنند و به وسیله ابزارهای مختلف از هرجایی به آن دسترسی داشته باشند. همان‌طور که ذکر شد صفحه سرگذشت در فیسبوک نیز به همین منظور یعنی امکان اشتراک‌گذاری و فراخوانی اطلاعات، ایجاد شده است. در نرم‌افزارهای مدیریت کتابشناختی نیز امکان اشتراک‌گذاری اطلاعات درون حساب‌های کاربری و ذخیره‌سازی آن در یک سپارشگاه<sup>۲۸</sup> فراهم شده است که باعث تقویت فرایند پژوهش در دانشجویان می‌شود. شایان ذکر است که در مورد نرم‌افزار مندلی در قیاس با ابزار مالکیت مداری مثل رفورکز زمانی که پژوهشگران منابع را به حساب‌های کاربری‌شان انتقال می‌دهند در واقع این منابع را با سایر پژوهشگرانی که فعالیت آنها را دنبال می‌کنند به اشتراک می‌گذارند. همین لایه اجتماعی مندلی به احتمال زیاد آن را بیشتر به انتظارات دانشجویان از ابزارهای مدیریت اطلاعات نزدیک می‌گرداند. به علاوه امکان دسترسی و اضافه کردن به خوراک‌ها شبیه به صفحه سرگذشت فیسبوک و فهرست منابع یک شخص در سایت‌های شبیه به مندلی به طور فزاینده‌ای آسان‌تر می‌شود و دلیلش روزافزونی و همه‌گیری «اشتراک‌گذاری»، «لایک کردن» و «انتقال» برنامه‌های کمکی مختلف در سطح وب است. در نتیجه در تاریخ صنعت جستجوی اطلاعات ارتباط بین اطلاعات و اشتراک‌گذاری قوی‌تر از همیشه خواهد شد.

### اشتراک‌گذاری: ارزیابی و ترکیب

دومین ویژگی اساسی در فیسبوک که کاربران را به سمت سواد اطلاعاتی سوق می‌دهد که البته ممکن است خود کاربران از آن مطلع نباشند کارکرد اشتراک‌گذاری است. این ویژگی کارکردی به کاربران اجازه می‌دهد تا پیوندهایی را از درون حساب کاربری خویش به منابعی خارج از فیسبوک بدهند<sup>۲۹</sup>. زمانی که یک پیوند به اشتراک گذاشته شود به طور معمول در دو محل قابل رویت است: در صفحه سرگذشت یک کاربر و در خوراک‌های خبری دوستان همان کاربر. بنابراین با اشتراک‌گذاری اطلاعات از طریق این کارکرد، کاربران اطلاعات را با شبکه خودشان و البته مجدداً خودشان به اشتراک می‌گذارند. این اشتراک‌گذاری با خود این امکان را برای کاربر شبکه اجتماعی فراهم می‌کند تا در آینده به آسانی منابع اشتراک گذاشته را در دسترس داشته باشد.

ارزش اشتراک‌گذاری اطلاعات به این روش برای فیسبوک قابل بحث است. اما ارزشمندتر از این برای بحث حاضر درباره رفتارهای باسوادان اطلاعاتی، روش‌های متنوع اشتراک‌گذاری و نقشی که فیسبوک در تسهیل این کارکرد دارد، است. حداقل ۵ روش در فیسبوک برای کارکرد اشتراک‌گذاری پیش‌بینی شده

۲۶. RefWorks

۲۷. Mendely

۲۸. Repository

۲۹. برای اهداف این مقاله عمل «اشتراک‌گذاری» اشاره به ارسال پیوندهایی در این شبکه اجتماعی است که به محتوای بیرون از این شبکه اجتماعی پیوند دارند که این در تضاد با معنای عمومی اشتراک‌گذاری است که شامل به روزرسانی‌ها و یا تصاویری است که بر روی خود سایت فیسبوک قرار گرفته‌اند

است. از آنجایی که هر کدام از اینها رفتارهای نسبتاً متفاوتی را از جانب کاربر طلب می‌کنند بنابراین شایسته است که همه آنها شناخته شوند. به‌علاوه تکامل این فرایند یعنی حرکت از اشتراک‌گذاری چند مرحله‌ای به سمت موقعیتی که در آن هیچ‌گونه اقدامی برای اشتراک‌گذاری یک پیوند با کاربر فیسبوک احتیاج نیست و البته ترجیح کاربران بر دخالت عمدی داشتن در تجربه اشتراک‌گذاری که در واقع پیمودن راه‌های بیشتری در این فرایند است، نشان دهنده طیف متنوعی از نگرش‌های سواد اطلاعاتی در عرصه توسعه دهندگان و کاربران این شبکه اجتماعی است. آنچه در سطور بعدی می‌آید یک نگاه مختصر به پنج روش مختلف اشتراک‌گذاری در فیسبوک است که در انتها با توصیف دقیقی از استانداردهای ای.سی.آرال همراه می‌شود که در آن تجربه اشتراک‌گذاری در شبکه اجتماعی با این استانداردها همسو گردیده است.

روشی که در آن کاربر لازم است تا بیشترین فعالیت را انجام دهد زمانی است که آدرس یک وبسایت از نوار آدرس یک برنامه مرورگر در یک پنجره یا زبانه متفاوت رونوشت (کپی) می‌شود و سپس در جعبه به‌روزرسانی احوال در حساب کاربری فیسبوک چسبانده (پیست) می‌شود. بعد از این کاربر گزینه «ارسال» در کنار جعبه به‌روزرسانی احوال را کلیک می‌کند و این پیوند به اشتراک گذاشته می‌شود. اگرچه این روش از اشتراک‌گذاری احتیاج به مجموعه‌ای از کلیک کردن‌ها و دکمه زدن‌ها دارد اما مزایایی هم در اینجا وجود دارد که در ادامه توضیح داده می‌شود و باعث می‌شود که کاربران علی‌رغم وجود روش‌های راحت‌تر به استفاده از این شیوه ادامه دهند.

روش دیگر کتابچه چوب الفها (بوک‌مارک) است که با روش قبلی شباهت زیادی دارد اما تنها یک مرحله از روش قبلی را که همان رونوشت و چسباندن به‌وسیله انسان است را از میان بر می‌دارد. کاربر می‌تواند این برنامه کمکی<sup>۳۰</sup> را در مرورگر خود در بخش فهرست چوب الفها نصب نماید. نام این برنامه کمکی معمولاً «در فیسبوک به اشتراک بگذار» است؛ طرز کار به این صورت است که زمانی که کاربر یک صفحه را مشاهده کرد و تصمیم گرفت آن را در شبکه اجتماعی به اشتراک بگذارد، بر روی دکمه کتابچه چوب الفها کلیک می‌کند و آدرس این صفحه به طور خودکار رونوشت و سپس در جعبه به‌روزرسانی احوال چسبانده می‌شود که این امر معمولاً از طریق یک پنجره میانجی اتفاق می‌افتد و به کاربر امکان می‌دهد تا اگر تمایل داشت به پیوند ارسالی قبل از انتشار آن در صفحه سرگذشت یا خوراک خبری دوستان، چیزی اضافه یا آن را ویرایش کند. در این روش نیز لازم است تا کاربر دکمه ارسال در شبکه اجتماعی را قبل از کامل شدن به اشتراک‌گذاری کلیک کند که در روش رونوشت-چسباندن نیز همین اتفاق می‌افتد. در زمان نگارش این مقاله، تمام مرورگرهای بزرگ از قبیل کُرم<sup>۳۱</sup>، فایرفاکس<sup>۳۲</sup>، اکسپلورر<sup>۳۳</sup>، سفری<sup>۳۴</sup> و اپرا<sup>۳۵</sup> از ویژگی دفترچه چوب الفها پشتیبانی می‌کردند.

۳۰. در این ترجمه عبارت برنامه کمکی معادل فارسی Plugin در نظر گرفته شده است - مترجم

۳۱. Chrome

۳۲. Firefox

۳۳. Internet Explorer

۳۴. Safari

۳۵. Opera

در شبکه اجتماعی فیسبوک، این امکان وجود دارد تا خبرهای ارسال شده که در خوراک خبری یک کاربر ظاهر می‌شوند را به اشتراک گذاشت و در واقع این سومین شکل از اشتراک‌گذاری، احتمالاً اولین نماد فیسبوک در کارکرد اشتراک‌گذاری به عنوان ویژگی ذاتی آن است. در این روش کاربر پستی را در خوراک خبری خویش مشاهده می‌کند و تصمیم می‌گیرد تا آن را در صفحه سرگذشتش به اشتراک بگذارد. سپس کاربر گزینه «اشتراک» که مستقیماً در پایین آن پست قرار گرفته را کلیک می‌کند و بعد در یک پنجره میانجی که در بالا توضیح داده شد از وی خواسته می‌شود تا تنظیمات لازم را قبل از انتشار بر روی آن پست انجام دهد. زمانی که کاربر، پست مذکور در صفحه سرگذشت را بررسی کرد گزینه پست را کلیک می‌کند و اشتراک‌گذاری انجام شده است.

چهارمین روش رایج اشتراک‌گذاری در این شبکه اجتماعی استفاده از برنامه کمکی «اشتراک‌گذاری» یا «لایک کردن» در صفحه‌های خارج از فیسبوک است. این برنامه‌های کمکی با زبان‌های وب نوشته شده که مدیران وب آن را به صفحه‌های اینترنتی اضافه می‌کنند و نتیجه دکمه‌هایی با نشان‌واره‌ی فیسبوک هستند که به کاربران اجازه می‌دهند تا محتوایی را که در همان لحظه در حال مشاهده آن هستند را با کلیک موشواره مستقیماً به این شبکه اجتماعی ارسال کنند. انواع متنوعی از این برنامه‌های کمکی موجود هستند و خود این دکمه نیز در طول زمان دچار تغییر و تحول شده است. در اصل دو گزینه مکمل یکدیگر در این برنامه‌های کمکی تعریف شده بودند که هر کدام وظیفه‌ای خاص خود داشتند. کلیک بر روی دکمه لایک (با آیکن انگشت شست روبه بالا) به طور خودکار محتوا را به صفحه سرگذشت آن کاربر ارسال می‌کرد در حالی که عملکرد دکمه اشتراک‌گذاری این بود که یک پنجره میانجی را باز کند که مشابه با دفترچه چوب الف‌ها عمل می‌کرد. اما اکنون هر دوی این برنامه‌های کمکی تغییر کرده‌اند و تا حد اندکی متفاوت‌تر عمل می‌کنند. دکمه لایک اکنون از کاربر می‌خواهد تا دلیلی برای دوست داشتن یک خبر اضافه کند. اگرچه در ظاهر این یک گام واسطه‌ای و مهم در این فرایند است، غیرفعال کردن این عملکرد کارکرد لایک را عوض نمی‌کند و آن خبر همچنان به صفحه سرگذشت آن کاربر و به صفحه خوراک خبری دوستان وی ارسال خواهد شد. بنابراین در حالی که این نسخه جدید از برنامه کمکی لایک این فرصت را برای کاربر فراهم می‌کند تا برای محتوای مورد نظرش قبل از ارسال زمینه‌ای را فراهم کند، اما همان کلیک ابتدایی بر روی دکمه لایک این معنی را می‌دهد که این خبر به اشتراک گذاشته خواهد شد چه بدون آن زمینه و چه همراه با آن. اهمیت یا ارزشمندی حذف یا حفظ این زمینه کاربر-ساخت در ادامه بحث خواهد شد. نسخه جدید دکمه اشتراک‌گذاری نیز، اکنون غالباً با مجموعه‌ای از دکمه‌های مشابه که به سایر شبکه‌های اجتماعی بزرگ، وبسایت‌های خدمات بلاگ نویسی و فراهم‌کنندگان پست الکترونیک وصل می‌شوند از جمله تویتر<sup>۳۶</sup>، تامبلیر<sup>۳۷</sup>، بلاگر<sup>۳۸</sup>، استامبل آپان<sup>۳۹</sup> و جیمیل<sup>۴۰</sup> همراه شده است. این نسخه جدید در دو جهت سودمند است. از یک سو این تصدیقی بر فزونی اشتراک‌گذاری در مفهوم عام در سراسر وب و بر روی سرویس‌های مختلف است؛ از سوی دیگر مبین این موضوع است که دکمه اشتراک‌گذاری فیسبوک اغلب بیشتر از دکمه لایک از نظرها پنهان مانده است که در نتیجه

۳۶. Twitter  
۳۷. Tumblr  
۳۸. Blogger  
۳۹. Stumble upon  
۴۰. Gmail

اشتراک‌گذاری در یک حالت عامدانه با کمک یک پنجره میانجی که در آن کاربران می‌توانند محتوا را قبل از ارسال به فیسبوک بررسی کنند و یا موردی به آن اضافه کنند را دشوارتر می‌کند. اگر این طور به نظر می‌آید که اشتراک‌گذاری بیشتر در حال بی‌درد شدن است، به این دلیل است که این شبکه اجتماعی آگاهانه در این جهت حرکت می‌کند. در سال ۲۰۱۱ در میانه سیل جدیدی از تغییرات که به سمت رابط کاربری و کارکردی فیسبوک روانه شد یکی از ویژگی‌ها همین اشتراک‌گذاری بی‌درد سر بود و توضیحش این است که: هر زمانی که شما در حال خواندن اخبار از یک برنامه خبررسانی اجتماعی باشید یا اینکه در حال گوش کردن به موسیقی از یک برنامه اجتماعی هستید، شبکه اجتماعی فیسبوک به طور خودکار این محتوا را با پروفایل یا همان صفحه سرگذشت به اشتراک خواهد گذاشت (الر<sup>۴۱</sup>، ۲۰۱۱). جزییاتی درباره این‌گونه اشتراک‌گذاری وجود دارد که لازم است در هنگام بحث درباره این مفهوم در فیسبوک مطرح شوند. ابتدا باید گفت که اشتراک‌گذاری بی‌درد سر<sup>۴۲</sup> از لحاظ فنی ویژگی است که کاربران آن را انتخاب می‌کنند و با این انتخاب این اجازه را می‌دهند تا فعالیت‌های کاربر را به صفحه سرگذشت وی ارسال کند. برنامه‌های جانبی واسطه در فیسبوک همیشه به صدور اجازه کاربران برای ارسال از جانب خودشان نیاز دارند اما اجازه کاربر تنها برای یک‌بار کافی است و سپس تمام فعالیت‌های به وجود آمده در آینده از طریق آن برنامه کاربردی به صفحه سرگذشت همان کاربر ارسال خواهند شد تا زمانی که آن کاربر خودش این برنامه را از حالت انتخاب شده خارج نماید. همان طور که تعریف بالا نشان می‌دهد در حال حاضر برنامه‌هایی که با ویژگی اشتراک‌گذاری بی‌درد سر به طور پیش‌فرض ارائه شده‌اند عبارت‌اند از برنامه‌های موسیقی و خبر. معنی این جمله این است که اگر کاربر استفاده از یک برنامه اجتماعی خبررسانی را شروع کرده است، تنها عمل خواندن یک خبر در آن وبسایت منجر به ارسال آن خبر به صفحه سرگذشت و خوراک خبری دوستان آن کاربر می‌شود. اطلاعات به اشتراک گذاشته می‌شود و تنها موردی که به آن اضافه می‌شود زمان خوانده شدن و منبع آن خبر است. این واقعیت که فیسبوک این قابلیت را معرفی کرده است و همچنان در حال تبلیغ برای آن به عنوان نوعی از اشتراک‌گذاری است نشان دهنده این است که شبکه اجتماعی فیسبوک علاقه دارد فرایند اشتراک‌گذاری خودکارتر، رایج‌تر و کمتر با دخالت انسان انجام شود.

در حالی که کاربران با انتخاب خودشان دست به اشتراک‌گذاری در فیسبوک می‌زنند، این فرایند فرصت‌هایی را برای رشد رفتارهای مرسوم سواد اطلاعاتی فراهم می‌کند. استاندارد سوم ای.سی.آر.ال بیان می‌کند: «دانشجوی باسواد اطلاعاتی، اطلاعات و منابع آن را ارزیابی می‌کند و اطلاعات منتخب را با زمینه دانشی و نظام ارزشی خود ترکیب می‌کند» (ای.سی.آر.ال، ۲۰۰۰). این استاندارد که اصولاً بر ارزشیابی اطلاعات تمرکز دارد هفت بیانگر اجرایی دارد که سه مورد از آنها از طریق استفاده عامدانه کاربران از کارکرد اشتراک‌گذاری تقویت می‌شود.

اولین بیانگر اجرایی در استاندارد سوم بر این نکته تأکید دارد که دانشجوی باسواد اطلاعاتی باید اطلاعات گردآوری شده را به طور مناسب خلاصه سازی و دوباره گویی و نقل کند (ای.سی.آر.ال، ۲۰۰۰). روش‌های متفاوتی در کارکرد اشتراک‌گذاری فیسبوک به چشم می‌خورد که این رفتار سواد اطلاعاتی را تقویت می‌کند. همان طور که پیش‌تر آمد در اکثر شرایط یک پنجره میانجی وارد این فرایند می‌شود که از طریق

۴۱. Eler

۴۲. Frictionless Sharing

آن کاربران می‌توانند محتوا را قبل از انتشار بر روی صفحه سرگذشت، مورد بازبینی قرار دهند. زمانی که کاربر با این فرصت میانجی برای ویرایش و بازبینی مطلبش قبل از ارسال مواجه می‌شود، دو گزینه پیش روی او قرار می‌گیرد: یا اینکه مطلب یا پیوند آن بدون اضافه کردن نکته‌ای از جانب کاربر ارسال می‌شود یا نظری درباره آن پیوند قبل از ارسال توسط کاربر اضافه می‌شود. البته اغلب فراداده همراه با پیوند به طور خودکار از وبسایتی که میزبان آن پیوند است منتقل می‌شود. این فراداده‌ها که به کاربران ارائه می‌شود عبارت‌اند از تصویر بندانگشتی<sup>۴۳</sup>، آدرس وبسایت میزبان، عنوان مطلب و یک گزیده مختصر یا راهنمای عنوان. برای برخی کاربران این توضیحات به طور خودکار تولید شده کافی است و اینها بر روی دکمه ارسال کلیک می‌کنند بدون اینکه چیز دیگری اضافه نمایند. گاهی اوقات شبکه اجتماعی فیسبوک از کاربران می‌خواهد «تا چیزی بنویسند...» از طرف کاربران این مورد به عنوان روشی تلقی می‌شود تا اطلاعات جزئی را برای مطلب ارسالی فراهم کنند. پژوهشگران کاربرانی را مشاهده کرده‌اند که از این فضا در جهت مختلفی استفاده کرده‌اند که نشان دهنده این است که کاربران خیلی بیشتر از گفته‌های آموزش دهندگان دانشگاهی باسواد اطلاعاتی هستند. بسیاری از کاربران ترجیح می‌دهند تا اطلاعاتی را که در حال اشتراک‌گذاری با دوستانشان هستند را خلاصه نمایند. بنابراین آن دوستان می‌توانند تعیین کنند آیا به مطلب و بررسی دقیق‌تر آن علاقه‌مند هستند یا خیر. برخی کاربران هم به طور مستقیم با استفاده از علامت نقل‌قول آن چیزی را که به عنوان هدف اصلی مطلب درک می‌کنند را نقل قول می‌کنند و با انجام همین کار چارچوب ارسال را شکل می‌دهند. کاربرانی که این کار را انجام می‌دهند به دوستانشان مزه دیگری از آن چیزی که اطلاعات برای عرضه دارد را می‌چشانند.

برخی از کاربران نیز از امکان «چیزی بنویسید...» برای ارزیابی اطلاعات و منبع آن که قرار است ارسال شود استفاده می‌کنند. که هدف دومین بیانگر اجرایی در استاندارد سوم است (ای.سی.آرال، ۲۰۰۰). گاهی اوقات هدف غالب از اشتراک‌گذاری یک خبر نقد و اعلام نظر درباره منبع آن خبر است. پژوهشگران مشاهده کرده‌اند که این کاربران مفسر از عباراتی همچون «مقاله فوق‌العاده‌ای از...»، «منبع اطلاعاتی X خودش است» یا «آیا شما این را به عنوان خبر قبول دارید؟» استفاده می‌کنند. در حالی که بیان این‌گونه عبارات یک بخش روزمره از وب اجتماعی هستند، برای پروژه سواد اطلاعاتی و در توصیف این رفتار به عنوان ارزیابی اطلاعات و ترغیب دانشجویان به تفکر و نگارش با استفاده از اصطلاحات ارزیابانه زمانی که تصمیم به اشتراک‌گذاری در فیسبوک می‌گیرند ارزشمند هستند. این واقعیت که کارکرد اشتراک‌گذاری در شکل سنتی آن فضایی را برای کاربران فراهم می‌کند تا این‌گونه ارزیابی را انجام دهند نشان می‌دهد که شبکه اجتماعی فیسبوک به عنوان یک ابزار این قابلیت را دارد تا انجمنی برای کاربران باسواد اطلاعاتی وب برای اشتراک‌گذاری و یادگیری همگانی باشد.

علاوه بر کاربرد ویژگی اشتراک‌گذاری برای ارزیابی اطلاعات و منابع آن، کاربران گاهی اوقات این ارزیابی را به وسیله ترکیب ایده‌های اصلی یک منبع اطلاعاتی با همدیگر به سطح جدیدی ارتقا می‌دهند که این همان سومین بیانگر اجرایی برای استاندارد شماره سه است (ای.سی.آرال، ۲۰۰۰). پژوهشگران مشاهده نموده‌اند که یک روش رایج که این مورد خود را در آن نشان می‌دهد هنگامی است که یک کاربر پیوندی به یک مقاله یا قطعه‌ای از اطلاعات را به شبکه اجتماعی ارسال می‌کند و از اطلاعات موجود

در پیوند به عنوان یک نقطه آغاز برای ایجاد یک استدلال یا شکلی متفاوت در قالب فضای «چیزی بنویسید...» استفاده می‌کند. این استدلال جدید که در نتیجه ترکیب دانش قبلی کاربر و اطلاعات قرار گرفته در منبع به اشتراک گذاشته شده حاصل شده است ممکن است همسو با استدلالی باشد که در پیوند به اشتراک گذاشته شده باشد. اما در اینجا نکته این است که کاربرانی که از عملکرد اشتراک‌گذاری در این حالت استفاده می‌کنند رفتار یک پژوهشگر باسواد اطلاعاتی را به نمایش می‌گذارند و به‌وسیله همین گونه مصرف اطلاعات در وب، مواجهه با ایده‌های جدید و ترکیب آنها با زمینه دانش قبلی خود برای ساخت مفاهیم جدید و سپس به اشتراک‌گذاری آن با دیگران باعث می‌شوند تا چرخه (اطلاعات) ترکیب (اطلاعات جدید) تا بی‌نهایت و برای همیشه ادامه پیدا کند.

در نهایت علاوه بر عملیاتی که در استاندارد سوم توضیح داده شد، پژوهشگران دریافته‌اند که عمل استناددهی به منابع و موارد همراه با آنها همان طور که در استاندارد پنج تشریح شده توسط رسانه‌های اجتماعی در کل و ویژگی اشتراک‌گذاری در شبکه اجتماعی فیسبوک به طور خاص ترغیب می‌شود. در سومین بیانگر اجرایی در استاندارد پنجم آمده است که «دانشجوی باسواد اطلاعاتی استفاده از منابع اطلاعاتی را مورد استناد و اشاره قرار می‌دهد» (ای.سی.آرال، ۲۰۰۰). باید گفت که ویژگی اشتراک‌گذاری فیسبوک به طرز چشمگیری طراحی شده تا این عمل را به طور خودکار انجام دهد. در هنگام کلیک بر روی دکمه «اشتراک‌گذاری» در مطلب ارسالی کاربر دیگر، یک گزینه انتسابی ایجاد می‌شود که این اطلاعات را به ارسال کننده اصلی آن منتسب می‌کند؛ (مثلاً از طریق جین اسمیت). در دومین بیانگر اجرایی برای استاندارد پنجم آمده است که دانشجوی باسواد اطلاعاتی از «اخلاق مربوط به دسترسی و استفاده از منابع اطلاعاتی» پیروی می‌کند (ای.سی.آرال، ۲۰۰۰)<sup>۴۴</sup>. زمانی که این قاعده اخلاقی رعایت نشود، ارتباطات بین کاربران آسیب می‌پذیرد. فیسبوک و سایر ابزارهای رسانه‌های اجتماعی در حال شرطی سازی کاربران به سمت نگرشی به استناد دهی و کمک به تعریف این اخلاقیات پژوهشی هستند و در زمانی که اهمیت استناددهی به منابع و اجتناب از تقلب مورد بحث قرار می‌گیرد و این موضوع وارد اشتراک‌گذاری اجتماعی می‌شود، آن نگرش‌هایی‌توانند در تنظیم پژوهش دانشگاهی مورد توجه قرار گیرند.

### نظرات: تشریح مساعی و مباحثه

سومین کارکرد در شبکه اجتماعی فیسبوک که با اعمال باسوادان اطلاعاتی همسویی دارد ویژگی نظردهی است که همچنین با ویژگی مشابه‌هایک فروتنانه ایفای نقش می‌کنند. محل این کارکردها بر روی صفحه نمایش همیشه در مکان مشابهی یعنی بلافاصله در پایین یک یادداشت در قالب یک پیوند آبی رنگ است. توانایی اعمال نظر و یا لایک کردن یادداشت‌ها با استفاده از این پیوندها در سراسر وبسایت شبکه اجتماعی به چشم می‌خورد از قبیل یادداشت‌هایی که توسط دوستان کاربر ارسال شده، یادداشت‌هایی که به‌وسیله صفحات ارسال می‌شوند و ... بنابراین عمل لایک کردن یک نوشته ارسالی به‌سادگی به هرکسی که این یادداشت را مشاهده می‌کند اعلام می‌کند که فلان کاربر این مطلب را دوست داشته و خوشش آمده است. مفهوم لایک از نگاه یک کاربر تا کاربر دیگر و از یک پست تا پست دیگر برحسب بافت آن متفاوت است. در برخی موارد این معنی را می‌دهد که کاربر اطلاعاتی را که در حال ارسال است

۴۴. نمونه‌های این فرهنگ انتسابی در سایر رسانه‌های اجتماعی از قبیل (H/T Hip tip) در زمینه بلاگ‌نویسی و RT (توییت مجدد) در تویتر قابل مشاهده است.

دوست دارد و گاهی اوقات به این معنی است که کاربر یادداشتهایی که در کنار آن پست تهیه شده را از محتوای کلی پست بیشتر می‌پسندد. در هر دو صورت کلیک بر روی پیوندلایک در زیر یک پست نشان دهنده تأیید یا حداقل تصدیق آن پست است بدون اینکه آن کاربر بخواهد چیزی بر آن اضافه نماید. کارکرد لایک به عنوان نوعی از داوری اجتماعی یک روش کاربردی برای قاب بندی این رفتار در قالب سواد اطلاعاتی است علی‌رغم اینکه دستگاه وسیع و منطقی از معانی که به این کلمه ساده چهار حرفی نسبت داده می‌شود، از همین رو ویژگی لایک نقطه آغازین بسیار عالی برای بحثی با دانشجویان درباره تفاوت‌ها و شباهت‌های بین داوری اجتماعی و پژوهشی در جهت شفاف سازی این مفهوم سنتی است. پیوندنظردهی بدون فاصله در سمت راست پیوند لایک‌قرار دارد و عملکردی کارکردی است که به طرز زیبایی روش‌هایی که در آنها فیسبوک مثل یک منطقه ارتباطی برای رفتارها و اعمال باسوادان اطلاعاتی عمل می‌کند را به تصویر می‌کشد. هنگامی که عملکرد نظردهی با عملکرد اشتراک‌گذاری همراه می‌شود که اغلب این‌طور است، نتیجه فضایی است که در آن گفتگو درباره اطلاعات به اشتراک گذاشته شده و مجراهایی که از طریق آنها این پدیده در ارتباط با سواد اطلاعاتی قرار می‌گیرد اتفاق می‌افتد. بر اساس دومین بیانگر اجرایی (ای.سی.آر.ال، ۲۰۰۰) اگر ارزیابی اولیه از اطلاعات و منابع آن در بخش «چیزی بنویسید...» اتفاق نیفتد خیلی محتمل است که این عمل در عوض در بخش نظرات برای پست مبدأ اتفاق بیفتد. نتایج این امر حتی باید برای تعلیم دهندگان سواد اطلاعاتی که ممکن است بیشتر ارزیابی همان پست اصلی را در ذهن داشته باشند قابل توجه‌تر باشد. بحثی که در بخش نظرات زیر یک پست درمی‌گیرد به عنوان یک ارزیابی اشتراکی از آن پست عمل می‌کند که در آن کاربران مختلف معیارهای ارزیابانه را با اطلاعات تطبیق می‌دهند و به یک دانایی جمعی از اعتبار و کارایی آن اطلاعات نزدیک می‌شوند. در این جا کارکرد نظردهی به ابزاری تبدیل می‌شود که رسانه اجتماعی را به فضایی ارتقا می‌دهد که در آن تعامل اطلاعات، متفکرین و ایده‌ها به رشد دانایی و دانش جدید در بین مشترکین فعال منتج می‌شود. علاوه بر ارزیابی اشتراکی، فضای نظردهی در پایین یک پست احتمالاً محملی برای بحث و سخن‌پراکنی درباره اطلاعاتارسالی است. پژوهشگران مشاهده کردند که یکی از پیامدهای جالب استفاده از رسانه‌های اجتماعی، احتمال به وجود آمدن گفتگو در بین کاربرانی است که هرگز همدیگر را ملاقات نکرده‌اند و یا از ریشه‌های اجتماعی-اقتصادی متفاوت و با سطح تحصیلات متفاوت هستند که تنها نقطه اشتراک آنها همان کاربری است که بر روی پستش در حال نظر دادن هستند. عملگر اجرایی شماره شش از استاندارد سوم بیان می‌کند که «دانشجوی باسواد اطلاعاتی فرایند تفسیر و تفهیم اطلاعات را از طریق بحث با سایر افراد تقویت می‌کند» (ای.سی.آر.ال، ۲۰۰۰) و بحثی که بین چنین کاربران متفاوتی در می‌گیرد یک محمل اثرگذار را شکل می‌دهد که در آن تفکر، یادگیری و عمل شفاف سازی درآمده‌های یک شخص اتفاق می‌افتد. شاید این طیف متنوع از کاربران که درباره پست مشترکی نظر می‌دهند تا زمانی که از یک موقعیت متفاوت با موقعیتی که با آن وارد بحث شده‌اند راضی نباشند بحث را ترک نکنند اما رویارویی با دیگران که می‌توانند مخالف یا موافق باشند به طرز اجتناب ناپذیری مهارت‌های ارتباطی و ارزیابی این کاربران را بهبود خواهد بخشید که هر دوی اینها برای دستیابی به سطح بالاتری از سواد اطلاعاتی و تفکر انتقادی ارزشمند هستند.

روش‌های بسیاری برای تشخیص چگونگی انتقال این نمونه‌ها به تحقیق و آموزش سنتی وجود دارد. یک جنبه منحصر به فرد ویژگی نظردهی در شبکه اجتماعی این است که مهارت‌های سواد اطلاعاتی که



به وسیله آن توجیهی شود بیشتر به فرایند ارزیابی و ترکیب اطلاعات مربوط است تا کاربرد آن در یک حالت غیرانتزاعی (مازیوتی و گرتانو، ۲۰۱۱).

همان طور که پیش تر توضیح داده شد، تشریک مساعی و مباحثه کاربران شبکه اجتماعی فیسبوک در راستای استفاده از این شبکه قابل مشاهده است و این دو فعالیت کمتر درباره نتایج نهایی (مثلاً مقاله پژوهشی) و بیشتر درباره سیری هستند که این اطلاعات به آنجا رسیده است (مثل داشتن گفتگو با دیگران، مواجهه با تفاسیر متفاوت از یک قطعه معین اطلاعات قبل از شکل دهی آن). در خلال آموزش، جلب کردن توجه دانشجویان به کارکرد نظردهی در فیسبوک به عنوان فضایی که در آن فرصتی پیدا می شود تا این فعالیتها را تمرین کنند و سپس بررسی نمونه هایی که در فرایند سنتی پژوهش ممکن است از این فعالیتها گرفته برداری شود، احتمالاً به یک بحث خیلی جالب و ارزشمند منجر می شود. اگر دانشجویان دچار ابهام باشند که چگونه می توان فضای اجتماعی و محیط دانشگاهی را با هم پیوند زد که در واقع یک پرسش اساسی برای آنها محسوب می شود نیاز به نمونه هایی است که اساتید و آموزش دهندگان می توانند از آنها برای شروع بحث و کاهش این ابهام استفاده کنند از جمله: بحث کردن درباره مواد خواندنی در کلاس های دانشگاهی با هم تایان و اساتید، ساعت های اداری که در آن دانشجو همراه با استاد برسر کارآمدی منابع احتمالی که قرار است در یک مقاله استفاده شود بحث می کنند، درخواست از یک کتابدار مرجع برای کمک پژوهشی و مباحثه ای که به تبع آن بین این دو درمی گیرد و حتی عمل پژوهشی با تکیه بر منابع دست دوم به عنوان نقدهایی بر و درباره موضوع منابع اولیه اینها روش های جالبی برای آغاز بحث مهمی درباره سخن گویی پژوهشی به عنوان یک کلیت با دانشجویان است.

### نتیجه گیری

دانش آموزان در سن ۱۳ سالگی می توانند در شبکه اجتماعی فیسبوک عضو شوند و خیلی از آنها حتی زودتر از این فعالیت در شبکه اجتماعی را آغاز می کنند (گزارش های مشتری، ۲۰۱۱). با توجه به تعداد زیاد دانشجویان و دانش آموزان فعلی و آینده که زمان بسیاری را در روی این سایت می گذرانند ضروری است که آموزش دهندگان سواد اطلاعاتی، آثار فیسبوک بر روی نگرش ها و رفتارهای دانشجویان و دانش آموزان نسبت به اطلاعات را بدانند. این تحلیل دقیق از فیسبوک با نگاهی بر سواد اطلاعاتی که در استانداردهای ای.سی.آرال برجسته شده ابزار شبکه اجتماعی را در حالتی شکل می دهد که به هدف مشترک ما به عنوان آموزش دهندگان که همان تبدیل کردن دانشجویان به یادگیرندگان مادام العمر است خدمت می کند. این مقاله تحلیلی هم چنین زمینه ای است برای یک مطالعه دیگر که مفهوم باسواد اطلاعاتی را از دریچه اعمال شبکه اجتماعی مورد بررسی قرار می دهد. در بخش دوم این مطالعه که در مقاله ای دیگر به چاپ خواهد رسید پژوهشگران یافته های خودشان را از نتایج به کار بستن اصولی که در اینجا مطرح شده در دوره آموزشی فن بیان و رسانه های اجتماعی که در پاییز ۲۰۱۱ در حال تدریس آن بودند ارائه می کنند. به دلیل اینکه این تحلیل یک نقش اساسی در رشد و گسترش این دوره آموزشی داشت، نویسندگان این مقاله پیشنهاد می دهند که پژوهشگران سواد اطلاعاتی نمونه های بیشتری مبنی بر تحلیلی هایی از رسانه های اجتماعی را در این حوزه علمی انجام دهند. این تحلیل ها علاوه بر کاربردشان در طراحی روش های جدید آموزش، می توانند در طراحی و ویرایش های جدید استانداردهای ای.سی.آرال مورد استفاده قرار بگیرند و در مقابل جهت گیری کلی آموزش سواد اطلاعاتی در آینده را شکل می دهند. در نهایت یکی از مهم ترین مواردی که در خلال این مطالعه تحلیلی مقدماتی از شبکه اجتماعی فیسبوک

دریافت شد این حقیقت است که شبکه اجتماعی یک ناحیه ارتباطی قوی البته نه تا همیشه برای سواد اطلاعاتی است به دلیل اینکه همان طور که از ابتدا حدس زده می‌شد قابلیت‌های این محیط به طور آشکاری اعمال باسوادان اطلاعاتی را تشویق می‌کنند. گاهی اوقات مثلاً در رابطه با اشتراک‌گذاری بی‌درد سر به نظر می‌آید که فیسبوک در حال اجرای عمل بر عکس است و ارزش این برای آموزش دهندگان سواد اطلاعاتی و دانشجویان در چگونگی پاسخ با آگاهی انتقادی به این ابزارها و ویژگی‌هایی که به وسیله فیسبوک عرضه شده‌اند است. همچنین روش عمل هدفمند مشابهی باید به فرایندهای جستجوی اطلاعات در محیط پژوهش سنتی رسوخ کند. از همین رو بنابراین هیجان‌انگیزترین نتیجه‌ای که نویسندگان از بخش اول پژوهش‌شان گرفته‌اند این بوده است که خود سواد اطلاعاتی در عصر رسانه‌های اجتماعی به نوعی از «فراسواد» نیاز دارد که به آگاهی‌هایی قبلی از سواد اطلاعاتی نیاز دارد و این آگاهی این است که تعلیم دهندگان باید به خودشان و دانشجویان‌شان یاد دهند که به طور آگاهانه از چرایی آن چیزی که آنها به عنوان اطلاعات با آن تعامل دارند مطلع باشند چون در غیر این صورت ابزارها برجای آنها تصمیم می‌گیرند. برای نویسندگان این مقاله مفهوم «فراسواد»<sup>۴۵</sup> در طراحی دوره آموزشی «فن بیان و رسانه‌های اجتماعی» اساسی بود و در تمام تکالیف و خواندنی‌ها رسوخ پیدا کرده بود. در بخش دوم این مطالعه از شواهد کلاسی برای جان بخشی به مفهوم «فراسواد» و جایگاه آن در تفکری نوین درباره سواد اطلاعاتی بیشتر بحث خواهد شد.

#### منابع:

- ALA Presidential Committee on Information Literacy (1989), "Presidential Committee on Information Literacy: final report", available at: [www.ala.org/acrl/publications/whitepapers/presidential](http://www.ala.org/acrl/publications/whitepapers/presidential) (accessed 13 February 2012).
- Association of College & Research Libraries (2000), "Information literacy competency standards for higher education", available at: [www.ala.org/acrl/standards/informationliteracycompetency](http://www.ala.org/acrl/standards/informationliteracycompetency) (accessed 13 February 2012).
- Bauerlein, M. (2008), *The Dumbest Generation: How the Digital Age Stupefies Young Americans and Jeopardizes Our Future (Or, Don't Trust Anyone under 30)*, Jeremy P. Tarcher/Penguin, New York, NY.
- Click, A. and Petit, J. (2010), "Social networking and Web 2.0 in information literacy", *International Information & Library Review*, Vol. 42 No. 2, pp. 137-42.
- Consumer Reports (2011), "Online exposure: social networks, mobile phones, and scams can threaten your security", Vol. 76 No. 6, pp. 29-33.
- Eler, A. (2011), "Top trends of 2011: frictionless sharing", available at: [www.readwriteweb.com](http://www.readwriteweb.com).

۴۵. Meta-literacy

- com/  
archives/top\_trends\_of\_2011\_frictionless\_sharing.php (accessed 13 February 2012).
- Facebook (2012a), "Facebook", www.facebook.com/ (accessed 13 February 2012)
  - Facebook (2012b), "Help center search: 'recent stories'", available at: www.facebook.com/help/search/?q¼recentpstories (accessed 13 February 2012).
  - Facebook (2012c), "Timeline: now available worldwide", available at: https://blog.facebook.com/blog.php?post¼10150408488962131 (accessed 13 February 2012)
  - Hicks, A. and Graber, A. (2010), "Shifting paradigms: teaching, learning and Web 2.", Reference Services Review, Vol. 38 No. 4, pp. 621-33.
  - Luo, L. (2010), "Web 2.0 integration in information literacy instruction: an overview", Journal of Academic Librarianship, Vol. 36 No. 1, pp. 32-40.
  - Lyons, G. (2012), "Facebook to hit a billion users in the summer", available at: http://icrossing.co.uk/facebook-hit-billion-users-summer\_7709 (accessed 13 February 2012).
  - Mazziotti, D. and Grettano, T. (2011), "'Hanging together': collaboration between information literacy and writing programs based on the ACRL standards and the WPA outcomes", paper presented at the ACRL 2011 Conference, 30 March-2 April, Philadelphia, PA, available at: www.ala.org/acrl/sites/ala.org.acrl/files/content/conferences/confsandpreconfs/national/2011/papers/hanging\_together.pdf (accessed 13 February 2012).
  - Pemberton, A. (2011), "From friending to research: using Facebook as a teaching tool", College & Research Libraries News, Vol. 72 No. 1, pp. 28-30.
  - Purdy, J.P. (2010), "The changing space of research: Web 2.0 and the integration of research and writing environments", Computers and Composition, Vol. 27 No. 1, pp. 48-58.
  - Smith, S.D. and Caruso, J.B. (2010), "The ECAR study of undergraduate students and information technology", available at: http://net.educause.edu/ir/library/pdf/ERS1006/RS/ERS1006W.pdf (accessed 13 February 2012).
  - Williamson, K. (2007), "Research students in the electronic age: impacts of changing information behavior on information literacy needs", Communications in Information Literacy, Vol. 1